

چهره فردوسی در شاهنامه

خروشیدم و خواستم زو چراغ/ برفت آن بت مهربانم ز باغ/ می آورد و نثار و ترنج و بهی/ ز دوده یکی جام شاهنشهی/ دلم بر همه کام پیروز کرد/ که بر من شب تیره نوروز کرد

از نگاه فردوسی، تمامی زنان شاهنامه پاکیزه و منزه‌اند. از سودابه بگذریم که عاشق می‌شود و عشق را با خرد و خویشنداری پیوندی نیست، دیگر زنان نه‌تنها مهربان، وفادار و بار مرد هستند که به‌جست فداکاری‌های‌شان ستودنی‌اند، خواه متعلق به ایران باشند یا از اردوگاه دشمن و تورانی. گلشهر، همسر پیران‌ویسه، زنی است صاحب‌خرد که در خردمندی، همتای شوی خویش است و دختری دارد به نام جریره، همسر دوم سیاوش که فرود را به دنیا می‌آورد و با طبع مادری خویش دربی گشته‌شدن فرزندش، برائز حماقت توس، ترازدای می‌افزیند بر آب چشم. منیژه، دخت افراسیاب که به بیژن دل داده است، برای نجات بیژن از چاه، چه رنج‌ها که بر خود هموار نمی‌کند، همان دختری که تنش را برهنه ندیده است آفتاب، برهنه‌ها را و شوریده‌حال به نجات بیژن می‌شتابد؛ کتایون، دختر قیصر روم که با گشتاسب همدلی‌ها دارد؛ رودابه، همسر زال و تهمنیه، همسر رستم در پاکدامنی بی‌همانند. بانو گشسب، دخت رستم و همسر گیو و مادر بیژن، فرمانبر شوی خویش است و زنان دلاور و رأی‌مندی چون گردویه، خواهر بهرام جوینیّه که برادر خویش را به اندیشه‌ورزی می‌خواند و در دلبری، گردآفرید دیگری است یا شیرین، بانوی خسرو که در وفاداری بی‌همانند است و جان بر سر وفاداری می‌گذارد و شیرویه را ناامید می‌کند، می‌توان به ده‌ها زن دیگر اشاره کرد چون همان بانویی که شاپور ذوالاکتاف را از چنگال رومیان نجات داد و آن زن کی جامه مردان پوشیده، خود را به گشتاسب رساند که بگوید جاماسب با ایرانیان چه کرده است، به ایران بازگردد و خلّی را از آزار ترکان برهاند. ساختار ذهنی فردوسی چنان است که در اندیشه گردآوردن مال نیست و توصیه به بخشش و دهش می‌کند. جهان را سپنجی‌سرای می‌بیند و طبعاً ناپایدار و گذرا و به تکرار می‌گوید که بخورید و بیاشامید و شاد باشید و بخشید و گرد آژ نگرید و بنا بر سرشت خود فرزانی گیاموزید و فرزانه شوید؛ همه راستی جوی و فرزانیکی از تو دور باد آژ و دیوانکی از درم بخش هر ماه درویش را/ مده چیز مرد بداندیش را

زبان فردوسی در شاهنامه زیبا، روان و از نظر ادبی بی‌هماند است، می‌توانم تأثیر زبان و اندیشه‌های فردوسی بر شاعران بعد از او، آن‌چنان قدرتمند و نافذ است که می‌توان گفت شاعران بزرگی چون سعدی، حافظ، مولانا و خیام از چشمه جوشان ذوق و قریحه و اندیشه فردوسی سیراب شده‌اند. صحنه‌های نبرد را چنان توصیف می‌کند که بی‌خوشتن خویش با قهرمانانش مدمات‌فشان می‌پاییم. به همین دو بیت در صنعت لغو‌نشر بنگرید:
به روز نبرد آن یل ارجمند/ به شمشیر و خنجر به گرز و کمند/ برید و درید و شکست و بیست/ یلان را سر و سینه و پا و دست
همین شاعر حماسه‌ها، نبردها و چکاچک شمشیرها و طنین تیریه‌ها که در توصیف رزمگاه می‌گوید:
ز سم سواران در این پهنشد/ زمین گشت شش، آسمان گشت هشت

وقتی باب عاشقی می‌گشاید، چنان به لطافت سخن می‌گوید که گوئی شاعری است که در مکتب رومانسیسم بالیده و پرورده شده است. رودابه قرار عاشقی با زال دارد و زال با خاموشی چراغ خورشید به دیدار معشوق می‌شتابد و فردوسی چنان عاشقانه می‌سراید که در هیچ روایت عاشقانه دیگری چنین توصیفی دیده نمی‌شود که رودابه رشته گیسو از بام فرو می‌افکند و از زال می‌خواهد که سر رشته را بگیرد و به پایم برآید. آنچه درباره فردوسی در شاهنامه گفتم، تنها اندکی بود از بسیاری و سخن‌های ناگفته بسیار مانده که فرصتی و عرصه‌ای بس موسّعتر می‌طلبد؛ باشد که فرصتی و قوتی دست دهد و آن هزاران نکته دیگر بازگفته شود.

حضرت امیر در قاپ فرهنگ

«یتپهنو فی الارض» نوعی درج‌ازدن و افتادن در یک خلا فکری و فرهنگی است که اکنون عملا این فضا مشاهده می‌شود. اگر مسئولان امر تحقیقی چنان‌ه و علمی درباره دل‌مشغولی جوانان داشته باشند، بی‌خواهند برد که در نبود برنامه‌های مناسب رسانه‌ای و تجسمی، شبکه‌های مجازی میدان‌دار شده‌اند. کاش می‌پذیرفتند که آن شبکه‌ها با دست‌افزارهای چندمنظوره، جوانان را به کدام‌سو می‌برند گویا همان «گردابی چنین حائل» که حافظ شیراز از مهابت آن شعر گفته، در نسل جدید به تحقق رسیده است. گوئی برای نسل بی‌تکلیف امروز، چنان جزایلی را ترتیب داده‌اند. حقیقتا برای یک عزم ملی در حوزه فرهنگ و هنر خیلی دیر شده است، اما نباید ناامید شد. این تشنگی برای میدان‌دادن به خلق آثار آیینی مستقل همچنان باقی است. آنان که مسندنشین هستند از کلا تنگ‌نظری بیرون آیند و از کارشناسان و هنرمندان ره‌اشده در میهن کمک بگیرند، تا آنها فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند. سیره پیشوایان ما به‌ویژه امیر مؤمنان و مولای متقیان علی(ع) همچنان نایم‌زدن ساخت‌ و هنرآفرینی برای مخاطبان است. عدالت‌گستری شیوه پاک‌دستی و تقوی‌پیشگی و فرق شکافنه آن حضرت در محراب عبادت، می‌تواند ظرفیتی تاریخی بیافریند تا مسئولان به خود آیند تا با آثار خلق‌شده این پیشوای الگو از حصارها و مرزا عبور کنند و جهانی شود. این مهم، دشنی است چون قابلیت آن نزد پیشوایان انسان‌ساز این سرزمین مهیاست. پس درنگ جایز نیست.

گزارش «شرق» از انتقادهای رفت‌وبرگشتی بانک مرکزی و پارلمان بخش خصوصی

جدال بر سر تعهدات ارزی



شرق: بحث بر سر بازگشت ارزهای از محل صادرات به کشور دوباره داغ شده است و ماجرا هم از انتقادهای رئیس کل بانک مرکزی به بخش خصوصی و صدور دستورالعملی جدید آغاز شد. رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده بسیاری از صادرکنندگان نسبت به بازگشت ارز خود اقدام نکرده و با همین استدلال، دستورالعمل جدیدی برای رفع تعهدات ارزی صادر کرده است. بر مبنای این دستورالعمل تعهد ارزی صادرکنندگان از ۸۰ درصد به ۱۰۰درصد رسیده، به این معنا که هر صادرکننده‌ای امسال باید ۱۰۰درصد ارز حاصل از صادرات کشور را بازگرداند. این اقدام واکنش‌هایی را از سوی بخش خصوصی و صادرکنندگان به دنبال داشت و در نهایت رئیس اتاق بازرگانی ایران در یک نامه ۱۲ بندی به رئیس کل بانک مرکزی، انتقادهایی را مطرح کرد.

غلامرضا شافعی در این نامه از عبدالناصر همتی پرسیده است: «مگر شرایط تغییر کرده یا بهتر شده که تعهد ارزی ۸۰ درصد تبدیل به ۱۰۰درصد شود؟ ...آیا وضع مقررات دستوری، بدون فراهم‌نمودن بسترهای لازم، منجر به توقف فعالیت‌های رسمی و رونق فعالیت‌های زیرزمینی خواهد شد و باید قبل از صدور بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، روش‌های عملیاتی‌شدن آنها نیز مشخص شود». صادرکنندگان با تأکید بر تحریم‌ها و مشکلات نقل‌وانتقال پول معتقدند دولت باید به‌جای فشار بیشتر به این بخش به دنبال ایجاد بستر لازم برای تأمین مسیر نقل‌وانتقال ارز باشد. از سویی دولت معتقد است با ۱۰۰میلیارددلاری که حجم صادرات بخش خصوصی است، مشخص نیست چه مقدار از آن به کشور بازمی‌گردد. بانک مرکزی هم این موضوع را شفاف نمی‌کند که چه کسانی(بخش دولتی، خصولتی یا خصوصی) در بازگرداندن این ارزها اهمال کرده‌اند؟ سیدمحمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه‌ا ما در گفت‌وگو با «شرق» به نکته دیگری اشاره می‌کند. او می‌گوید، نقل‌وانتقال ارز، هزینه‌ای جداگانه به صادرکننده تحمیل می‌کند و اگر با سیاست‌های دستوری، این هزینه‌ها مضاعف نشود، باید منتظر افت حجم صادرات باشیم و این نوع رفتار در شرایطی که اقتصاد فعلی ایران در آن قرار دارد، مناسب نیست.

بنگ‌بنگ رئیس کل ورئیس اتاق

به گزارش «شرق»، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در پاسخ به نامه بانک مرکزی، خطاب به عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، ضمن انتقاد از بخش‌نامه رفع تعهد ارزی صادرکنندگان، به عدم مشارکت‌دادن بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و قراردادن بار طاقت‌فرسا بر آنها اشاره می‌کند: «منطبق بر آمارهای مستند کشور، سهم بالایی از بار اصلی اشتغال بر‌شانه‌های بخش خصوصی قرار داده شده است، درحالی‌که وفق آمار رسمی بانک محترم مرکزی، بخش‌های تولیدی و صادرات به طور مزم‌ن در دوران تحریم‌ها کمترین سهم از مانده تسهیلات را داشته است و تعجب‌آور اینکه براساس جداول داده - ستانده مبتنی بر حساب‌های ملی که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای سال ۱۳۹۰ تهیه شده، بیشترین بار مالیاتی کشور بر دوش بخش ساخت صنعتی بوده است، اما متأسفانه ملاحظه می‌گردد که باوجود سال‌ها درخواست بخش خصوصی دولت جهت قرارگیری در مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی، همچنان حتی در این شرایط بحرانی اقتصادی از این مهم غفلت شده و تصمیمات اقتصادی بدون حضور نمایندگان بخش خصوصی، ازجمله در کمیته موضوع

ماده (۲) - که به‌ویژه بسیار مورد تأکید جنابعالی قرار گرفته - اتخاذ می‌شود». او غیبت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها را موجب اتخاذ تصمیمات غیرعملیاتی دانسته و تأکید کرده که در اطلاعیه بانک مرکزی تحت‌عنوان «نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات سال ۹۸ و رفع تعهد ارزی سال ۹۹»، مسئله ۲۰درصد مرتبط با تعدیل میزان صادرات حذف شده نه‌تنها برخلاف توافق صورت گرفته است بلکه در تناقض با اطلاعیه رسمی در پورتال بانک نیز هست. این روند باعث بی‌اعتمادی به تصمیمات خواهد شد.

به باور شافعی، تحریم‌ها شرایط خاصی را برای فعالان اقتصادی به‌خصوص در بخش صادرات ایجاد کرده و عملا سیستم بانکی و مبادلات عادی جهانی را به هم ریخته است. در چنین شرایطی ضمن اینکه بار هزینه‌های اضافی برای بازاریابانی مجدد کالا‌های صادراتی ایجاد کرده، عملا توان رقابتی بنگاه‌های داخلی را نیز به‌شدت تضعیف و صادرکنندگان داخلی را ناگزیر کرده تا با شرایط ناعادلانه‌تری، از منظر قیمت و دریافت وجه به بازرگانان خارجی مقابله کنند. کمااینکه این موضوع در خصوص نفت و سایر مشاغل نفتی که دولت محترم به‌طور مستقیم درگیر آنهاست، صدق می‌کند.

او در این نامه با اتکا به اصل ۴۴ قانون اساسی که سه بخش اصلی اقتصاد را مشروعبت بخشیده، اشاره می‌کند که اگر در کميته ذکر شده، نمایندگان بخش خصوصی شرکت داشتند، تصمیمات منطقی‌تری اتخاذ می‌شد. به باور شافعی، به غیر از عدم مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری اقتصادی، شهادیم در

بحران‌ها تصمیماتی اتخاذ می‌شود که بر مبنای آزمون و خطا بوده، درحالی‌که بخش خصوصی در ایجاد آنها هیچ‌گونه اختیار و دخالتی ندارد اما در نهایت این بخش خصوصی است که باید فشارهای وارده را تحمل کرده و در جهت جبران نتایج این بحران‌ها یاری‌رسان باشد. شافعی همچنین در این نامه به ابهاماتی که رئیس کل بانک مرکزی درباره برخورد با کارت‌های بازرگانی متخلف مطرح کرده بود، پاسخ داده: «طی دو سال گذشته، اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور در همکاری تنگتاکب با سازمان‌های استانی صنعت، معدن و تجارت، نهایت تلاش خود را جهت غربالگری و تشخیص دارندگان کارت‌های بازرگانی به کار گرفته و خوشبختانه امروز تعدادی از این کارت‌ها شناسایی و ابطال شده‌اند. باید یادآور شد که مرجع صدور کارت عضویت، اتاق‌های بازرگانی و مرجع تأیید

تفاوت قیمت سکه بانکی و بازار ۵۰۰ هزار تومان شد

کاسبی با سکه دونه‌خی

را به مرغان می‌آورد، سبب شده درحالی‌که پیش از این بورس متأثر از قیمت سکه در بازار بود، اکنون بازار از قیمت‌های بورسی اثر بپذیرد. صرفاتی‌ها هم بر این گفته‌ها صحه می‌گذارند و معتقدند حضور تعدادی از بانک‌ها در بورس و اقدام آنها به خرید سکه با حدود ۵۰۰ هزار تومان بالاتر از بازار آزاد باعث چنین وضعیتی شده است.

وضع این‌طور بخت‌چین و وضعیتی شده است.

مجید شاکری، کارشناس اقتصادی، درباره حباب ایجادشده در قیمت سکه می‌گوید: درحال‌حاضر شاج‌ترین گفت‌وگویی که دراین‌باره وجود دارد بحث گواهی سکه و مشکل تعیین کیفیت است که در بازار بورس وجود ندارد. ضمناً در گواهی سکه مشکل غیراستجی وجود ندارد. از طرف دیگر، امکان خریدوفروش در اندازه‌های بالا بسیار راحت‌تر از خریدوفروش برای سکه فیزیکی است. این مسئله تفاوت قیمت را به‌خوبی توضیح می‌دهد. زیرساخت‌ها راحتی هم برای خریدوفروش سکه در بورس وجود دارد، نگرانی‌های ایمنی افراد هم کمتر است. به نظر می‌رسد با توجه به قیمت کل، بخش مهمی از این درصد اختلاف با این دلایل قابل توضیح است او می‌افزاید: زیرساخت نقدپذیری بخش مهمی است. وقتی درباره گواهی سکه صحبت می‌کنیم، به تمام دلایلی که ذکر کردم، اساساً با بازار نقدتری مواجه هستیم. نقد به این معنا که با ورود و خروج ناگهانی تقاضا قیمت به‌طور ناگهانی تغییر پیدا نمی‌کند و ضمناً شما همواره قادر هستید مشتری‌هایی پیدا کنید که بدون نگرانی فیزیکی بتوانید با آنها مبادله کنید. به‌هرحال به نظر من باید منتظر آینده بود و دید که چه اتفاقی خواهد افتاد، زیرا وضع این‌طور نخواهد ماند.

مازاد تقاضا از کجا آمده است؟

میثم رادپور، کارشناس بازار سرمایه نیز درباره علت اختلاف قیمت ۵۰۰ هزار تومانی سکه در بورس و بازار عنوان می‌کند: به دو شکل می‌توان این وضعیت را توضیح داد؛ اولاً تبدیل‌کردن سکه به گواهی سکه هزینه‌بر است، اما این هزینه به اندازه‌ای نیست که اختلاف این اندازه شود. به‌هرحال این هزینه را چند درصدی می‌توان درنظر گرفت. شخص باید سکه بخرد و آن را تحویل دهد و سپس آن را به گواهی تبدیل کند پس بسیاری از افراد در خرید سکه فیزیکی ملاحظه دارند، به‌ویژه با سخت‌گیری‌هایی که بانک مرکزی انجام می‌دهد، ترجیح می‌دهند تراکنش‌هایی به این صورت در حساب‌های

اقتصاد

گزارش «شرق» از انتقادهای رفت‌وبرگشتی بانک مرکزی و پارلمان بخش خصوصی

اقتصادی بوده و در حوزه تولید مولد مشغول به‌کار هستند و عمق ساخت داخل آنها بالاست و نیاز ارزی بالا و کاذبی را مانند مونتاژکارها به کشور تحمیل نمی‌کنند. لیست منتشره بانک مرکزی درخصوص دریافت‌کنندگان ارزی که اقدامی تاریخی و ارزشمند است، به‌وضوح این تقسیم‌بندی را نشان داده و بنابراین عدم اهلیت حرف‌های بسیاری از تصمیم‌گیران اقتصادی را در برابر ما به تصویر می‌کشد.

بحرینیان ادامه می‌دهد: سال‌های اخیر نشان داده امکان بازگشت ارز آن دسته از صادرکنندگان که به رانت و قدرت وابسته هستند، دشوار است و دولت هم با افزایش درصد تکلیف ارزی می‌خواهد ارز‌ها را به کشور بازگرداند اما نگرانی و بی‌می وجود دارد مبنی بر اینکه آن بخش‌های ذکرشده به‌وضافه خصولتی‌ها، اکنون با استفاده از همان رانت و نفوذ، تغییری در رویه‌های خود ایجاد نکنند (اقدام ارزشمند برگزاری دادگاه‌های مبارزه با فساد، نشان‌دهنده این نگرانی است) اما بخش خصوصی واقعی از سویی باید هزینه تحمیلی نقل‌وانتقال پول را بپردازد و از سویی تعهدات ارزی آن هم ۲۰درصد بیشتر از سال گذشته شده است. رئیس کل بانک مرکزی به صادرات به عراق و افغانستان اشاره کرده که نباید ریالی انجام شود. اما آیا به نظر ایشان وقتی صادرکننده با مشکل نبود الزامات لازم و صرفای و انسداد راه‌های انتقال پول مواجه است، چگونه این رویه را انجام دهد؟ این تأکید دولت مبنی بر انجام این نوع صادرات به‌صورت غیرریالی درست است اما منوط به این است که صرفای هم برای انجام این کار وجود داشته باشد و صادرکنندگان به آن دسترسی داشته باشند. دولت نمی‌تواند بدون ایجاد بستر لازم انجام همه امور را از صادرکننده بخواهد.

او با نگاهی به کارنامه صدساله اقتصاد در ایران، تأکید می‌کند که به‌جز چند دوره، در هیچ زمانی تولید و صنعت در اولویت دولت‌ها نبوده و دولت‌ها بیشتر شیفته واردات بوده و نگاهشان به بخش خصوصی همواره نه از باب پیشرفت اقتصادی بلکه از باب کسب درآمد بوده است. در زمان ناصرالدین‌شاه یا مظفرالدین‌شاه قاجار که به‌شدت کسری منابع حاصل از صادرات در مقابل واردات کشور وجود داشت، برای جبران کسری از طلا‌های غنیمت‌گرفته‌شده نارشا از هند استفاده می‌شد، منابع ارزبمند را به باد می‌داند و بعد از آن هم همواره منبع اصلی تأمین این کسری تراز تجاری از محل منابع مفت نفتی بوده که مستندات آن نیز موجود است. در دوره دکتر مصدق و دکتر علی‌بخانی و همچنین در سال‌های ۶۰ تا ۶۸ فقط این روال تغییر کرد و تکیه اقتصاد بر تقویت تولید بود. حالا هم دولت با وجود تحریم و افت قیمت نفت که نخیگان آن را کاملاً پیش‌بینی می‌کردند، دیگر نمی‌تواند به درآمدهای قبلی تکیه کند و برای جبران کسری درآمد یک گزینه دیگر انتخاب کرده است. از آنجایی که در یک سده گذشته دولت‌ها راه‌های دیگری را برای بسط اقتصاد و اشتغال مفید ندانستند، اکنون با فروش سرمایه‌های بین‌نسلی که متأسفانه جایگزین درآمد نفتی کرده‌اند، مستند به گفته‌های وزیر رفاه و سخنگوی دولت این مسیر فقط برای پرکردن تنگناهای فعلی و پرداخت هزینه‌های روزمره و جاری است و نه طبق آنچه ادعا می‌شود برای توسعه اقتصاد. این نحوه عمل ما را با خطرات مهلک روبروهر می‌کند، درحالی‌که فقط ارزش‌افزوده حاصل از تولید مولد و قرارگیری نخبان واقعی در مسندهای تصمیم‌گیری می‌تواند این اقتصاد را نجات دهد.

یادداشت

بورس

و سال جهش تولید

شیمیا حاجی‌نوروزی - کارشناس اقتصادی

● سال ۹۹ سالی است همراه با انواع شوک‌های بیرون‌زا و درون‌زا. سالی پرتلاطم و پرمخاطره که تحقق شعار سال با عنوان «جهش تولید» را با اماواگرهای زیادی همراه می‌کند. تشدید تحریم‌ها در سال گذشته شرایط را برای اقتصاد و به‌ویژه بخش مولد کشور به‌شدت ناگوار کرد. این شرایط با شوک دیگری به نام شیوع کرونا از انتهای سال ۹۸ تشدید شد و به دنبال آن سقوط قیمت نفت هم تمام معادلات را برای سیاست‌گذاران اقتصادی کشور برهم زده است. براساس آمارهای اعلامی مرکز آمار ایران، رشد تولید ناخالص داخلی ۹ ماهه سال ۹۸ معادل ۷۰۶- درصد بوده که رشد بخش صنعت در این دوره، ۲۰۳- درصد گزارش شده است. عملکرد ضعیف اقتصاد کشور در زمینه تشکیل سرمایه ثابت در دهه در مقایسه با دهه ۸۰ نیز تولید بالقوه پایین‌تری را برای کشور رقم می‌زند. به بیان دیگر شرایط سال گذشته که دو شوک کرونا و سقوط چشمگیر قیمت نفت را شاهد بودیم، شرایطی بس خظیر بود؛ بنابراین مواجهه با شوک‌های جدید و فضای نااطمینانی حاکم بر کشور در سال جاری در غیاب یک برنامه جامع و هدفمند، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را به‌ بندش بخش‌های تولیدی کشور وارد آورد.

آنچه براساس تجربه در سنوات گذشته شاهد بوده‌ایم، آن است که دولت‌ها در روبرویی با تنگناهای مالی و اقتصادی، به جای آنکه از یک روش اصولی، علمی و برنامه‌محور بهره بگیرند، با اقدامات کوتاه‌نگرانه اقدام به واردکردن شوک‌های جدیدی به اقتصاد و جامعه کرده‌اند و برای دوره‌ای گذرا مسائل و مشکلات خود را حل و مطامع گروهبی رانت‌جو را تأمین‌کننده و تمام‌گرفтары‌ها را برای دولت‌های بعدی به یادگار گذاشته‌اند.

نگاهی به سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ نشان می‌دهد که در هر دوره چگونه ضربات مهلکی را به بدنه تولید کشور وارد کردند و فعالیت‌های دلالی و سوداگرانه کوی سبقت را از تولید ربودند. بیش از یک دهه پیش، بانک‌های خصوصی با خروج سپرده‌های مردم از بانک‌ها به ورود به بازار مسکن و مستلات، قیمت زمین و مسکن را به چند برابر رساندند و سوداگری انجام‌شده در این بازار، پول‌های بی‌ادآورد‌های را برای گروهی به همراه داشت و در مقابل توان مردم عادی را از تهیه مسکن به‌عنوان یکی از اقلام ضروری زندگی به‌شدت کاهش داد. دراین‌بیر سپرده‌های جمع‌شده مردم در بانک‌ها به جای آنکه در خدمت بخش مولد اقتصاد قرار بگیرد، مطامع رانت‌جویان و دلالان را تأمین کرده و انگیزه برای فعالیت‌های تولیدی و صنعتی را که موتور محرک اقتصاد هستند، کاهش داد.

بعد از بازار مسکن نوبت به بازار پول رسید؛ به‌طوری‌که افزایش سود بانکی شرایط را به نفع سپرده‌گذاران بزرگ بانکی رقم زد و فشار مضاعفی بر بخش مولد اقتصاد وارد کرد. سودهای غیرمتعارف این پیام را به تولیدکنندگان کشور مخابره کرد که تولید در اولویت کشور نیست و باید سراغ فعالیت‌هایی رفت که با بازدهی‌های نجومی، قادر به بازپرداخت وام‌های بانکی با سودهای بالا هستند.

در سال ۹۷، نوبت به بازار ارز رسید. دست‌کاری قیمت ارز با هدف تأمین کسری بودجه دولت و تأمین منافع گروهی خاص، شرایط اقتصادی کشور را به‌شدت برای قشر متوسط و ضعیف و فعالان عرصه تولید سخت کرد. بی‌انضباطی‌های مالی دولت، کاهش فروش نفت و رانت‌جویی گروهی خاص، بازار ارز را به حدی آشفته‌تد کرد که نرخ‌های حدود ۲۰ هزار تومان را نیز در این سال شاهد بودیم. در چنین شرایطی، بخش تولید کشور که بیش از ۷۰ درصد به واردات وابسته است، عملاً از ادامه فعالیت و سرمایه‌گذاری بازماند.

و در سال جهش تولید نوبت به بازار بورس رسیده است. دولت، گروه ذی‌نفعان و رانت‌جویان این بار آشفتنگی در بازار بورس را با هدف تأمین منافع ضدتوسعه‌ای خود دنبال می‌کنند؛ غافل از اینکه چه هزینه‌ها و مخاطراتی را برای بخش تولید و عامه مردم به همراه خواهد داشت. دولت فعلی در پایان عمر مسئولیت خود از طریق دمیدن به بازار بورس، به دنبال حل‌وفصل مشکلات مالی شرکت‌های ورشکسته است. اوج‌گرفتن بورس در ایران، در شرایطی است که بازارهای مالی در همه دنیا به دلیل شوک وارنده به اقتصاد جهانی از ناحیه شیوع ویروس کرونا، با افت همراه بوده‌اند. تحلیل عملکرد بازار بورس، بدون درنظرگرفتن متغیرهای کلان اقتصادی و صرفاً با نگاه مالی، می‌تواند پیامدهای ناگوارى را در سطح تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری به همراه داشته باشد.

ادامه در صفحه ۵